

سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس

جزیره های : باسعدوی قسم ، بوموسی ، تمب بزرگ (تمب گپ) ، تمب کوچک (تمب مار)

- ۴ -

جزیره های تمب دو جزیره هستند در شمال خط منصف خلیج فارس با مختصات جغرافیائی ۵۵ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی که فاصله آن از بندر لنگه ۲۷ میل و از باسعدوی قسم ۱۵ میل و از ساحل شیخ نشین رأس الخیمه ۴۳ میل است .

این دو جزیره با نزدیکترین نقاط سواحل جنوبی خلیج فارس یعنی منطقه رؤس الجبال ۲۵ میل فاصله دارند . جزیره تمب کوچک در ۷/۵ میلی مغرب جزیره تمب بزرگ واقع است . سکنه تمب بزرگ که تعدادی محدود ماهیگیر و پیشه ورنده ، گهگاه به جزیره تمب کوچک آمد و رفت دارند . جزائر تمب بزرگ و تمب ماریا تمب کوچک از دیرباز مانند جزیره های دیگر دهانه هرموز چون «سری» و «فروز» و «بوموسی» در قلمرو آب و خاک شاهنشاهی ایران و تحت سلطه حکام و امرای ایرانی قرار داشته و نمایندگان حکام مأموران وصول مالیات از طرف حاکم فارس باین جزائر اعزام می شده اند .

در سال ۱۸۳۵ میلادی ۱۲۵۵ هجری قمری که دامنه فعالیت دزدان دریائی در کرانه های جنوبی خلیج فارس باوج رسیده بود و طرد دزدان دریائی و جلوگیری از اعمال آنها بهانه مداخلت انگلستان در خلیج فارس گردید تا امپراطوری انگلستان بتواند این شاهراه دریائی را در دست خود گیرد ، بنا به پیشنهاد حکومت هندوستان «کاپیتان هنل» انگلیسی ، افسر بحریه انگلیس که از طرف دریا داری انگلیس عهده دار امور خلیج فارس بود يك خط فرضی به موازات ساحل رسم نمود که امتداد آن از جزیره های بوموسی و «سری» میگذشت . بعدها جانشین «هنل» بنام «ماترور موریسن» با شیوخ و رهبران امارات خلیج فارس مذاکراتی بعمل آورد و خط دیگری برای نشان دادن حدود آبهای ایران و سواحل متصل جنوبی خلیج فارس در روی نقشه خلیج فارس فرض و وضع نمود که از جزیره «سیرابونعیر» و شمال «راس رکن» در شمال جزیره قطر تا نزدیکی «راس الزور» در کویت میگذشت .

این خط نسبت به خط قبلی که آنهم در جنوب جزیره های تمب قرار داشت جنوبی تر بود . این خطوط را «خطوط محدودیت» (۱) نامیده اند و جزائر تمب و بوموسی در شمال هر دو خط قرار گرفته اند و در آبهای ایران بر اساس خطوط فرضی وضعی هر دو مأمور دریا-داری انگلستان واقع شده اند و بنابراین حکومت انگلستان که سالیان دراز مدعی مالکیت جزائر تمب بزرگ و تمب کوچک و بوموسی بوده است ، با تأیید حکومت هندوستان این

جزائر را در محدوده آبهای دولت ایران میشناخته و در روی نقشه تائید و تنقید کرده است و مالکیت ایران بر این جزائر را بر اساس علمی و سیاسی و تاریخی پذیرفته اند و مالکیت ایران را تائید نموده اند. در نقشه خلیج فارس که از طرف وزارت جنگ انگلیس به سال ۱۸۸۸ میلادی چاپ شده است جزیره های تمب بزرگ و تمب مار یا تمب کوچک همراه با جزیره های «بوموسی» و «سری» و «فرورو» به رنگ اصلی خاک ایران در روی نقشه رنگ شده اند، در حالیکه در همین نقشه جزائر متعلق به امارات و شیخ نشینهای خلیج فارس را هم رنگ سواحل جنوبی خلیج فارس رنگ آمیزی نموده اند.

اما همین دولت انگلستان در اوائل قرن بیستم و در اولین سالهای بعد از جنگ جهانی اول با کمک نیروی دریائی گشتی خود در آبهای خلیج فارس و اقیانوس هند، مانع فعالیت مأموران گمرکی و مالیاتی ایران در این جزیره ها گردید و در کتب و مآخذ و اسناد جدید خود آنها را به حکام رأس الخیمه و شارجه متعلق دانست یعنی تمب بزرگ و تمب کوچک را جزء قلمرو حکومت شیخ نشین رأس الخیمه و «بوموسی» را جزء قلمرو شیخ نشین شارجه به حساب آورد و در حادثه باسعیدو و توقیف مدیر گمرک ایرانی آن، فرمانده ناوگان دریائی انگلیس کشتی «شورهام» از همین جزیره «تمب بزرگ» بسوی جزیره قشم حرکت کرد و در اخبار آژانس بریتانیا نام این جزیره را «تمب مار» خواندند.

در کتاب خطی «مفاس اللثالی و منار اللیالی» تألیف محمد علی سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی که در جزء مجموعه اسناد و کتب خطی آن مرحوم در سال ۲۵۳۴ برابر با ۱۳۵۴ شمسی به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران اهداء شد و هم اکنون در آن کتابخانه نگهداری می شود رونوشت سندی به خط و زبان عربی ثبت شده است که پدران و بنی اعمام حکام حالیه رأس الخیمه و شارجه به اتفاق عده دیگری از مردمان جزائر تمب و «بوموسی» و «سری» حقانیت ایران را در مالکیت جزائر تأیید کرده اند و صریحاً اعلام کرده اند که بعضی از سنوات برای تعلیف احشام خود این جزائر را یا بعضی آنها را برای علفچر مواشی خود از حاکم ایرانی بندرلنگه اجاره می نموده اند.

اما با وجود حقانیت ایران در اجراء و اعمال حق مالکیت و حاکمیت خود، تا سال ۱۳۵۰ خورشیدی ایران نتوانست عملاً اعمال حق حاکمیت بر جزیره های تمب بنماید و در این سال با پیش آمد خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس و آماده شدن عوامل سیاسی، دولت ایران اقدام به تصرف جزیره های تمب بزرگ و تمب کوچک نمود و سه تن از افراد نیروی دریائی دولت شاهنشاهی ایران هم در موقع تصرف پاسگاه تمب بزرگ شهید شدند ولی هر دو جزیره در قلمرو سیاسی دولت شاهنشاهی ایران بازپس آمد و اکنون در اختیار نیروی دریائی شاهنشاهی ایران است.

اما این بازگشت هم باین آسانی نبود. گذشته از مذاکرات چندین ماهه با دولت انگلستان و حکام سواحل جنوبی خلیج فارس و استفاده از موقعیت تصمیم انگلستان بخروج از خلیج فارس و زمزمه تشکیل «فدراسیون امارات عربی متحده» تحریکات تبلیغاتی و سیاسی اقوام و ملل عرب هم مسائل جدیدی برای حل و فصل قطعی این مشکل بوجود آورد. عده ای

از دول عربی مانند عراق، کوبت، لیبی و یمن جنوبی، از اقدام نظامی ایران برای بازگرداندن جزیره های خود و استقرار نیروی نظامی ایران در این جزیره ها به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کردند و اعمال حاکمیت ایران بر جزائر مزبور را نیرنگی از جانب سیاست انگلیس و سازش با ایران در تضییع حقوق اعراب خواندند. شورای امنیت پس از طرح مسئله و استماع دلائل طرفین و توجه به نقشه های که نماینده دولت ایران از دائره المعارف چاپ اتحاد جماهیر شوروی ارائه داده بود و جزائر مزبور را به رنگ خاک اصلی ایران رنگ آمیزی کرده و در کنار آنها هم نام ایران نوشته شده بود، خود را فارغ از رسیدگی اعلام کرد و تنها به اظهار امیدواری و پیشنهاد حل مسالمت آمیز مسئله اکتفا نمود. تحریکات بی سابقه و بسیار تنیدی در دنیای عرب زبان علیه ایران به وجود آمد و چنانکه دیپلماسی ایران پیش بینی می کرد، این تب شدید بتدریج فرو نشست و ایران مسئله تجدید اعمال حقوق حاکمیت خود بر دو جزیره تمب و جزیره بوموسی را از مسائل داخلی و غیر قابل مداخله دول دیگر دانست و آنرا مختمومه اعلام نمود.

اهمیت جزیره های تمب و جزائر اطراف آن، گذشته از نظر نظامی و سوق الجیشی، به جهت اهمیت نظارت بر عبور و مرور کشتی های نفتکش است. در سال ۱۳۵۰ خورشیدی اعلام شد که هر دوازده دقیقه یک کشتی نفتکش از آبهای این جزایر عبور می کند و چون ایران سهم بزرگی در صدور نفت منطقه دارد نمی تواند به لحاظ خطر غرق و انهدام کشتی های نفتکش یا محصولات صادراتی خود درهراس دائمی بسر برد. گذشته از این مسئله، اکتشافات دریائی و امکان پیدایش نفت در آبهای اطراف جزیره ها و بالاخره حفظ امنیت خلیج فارس از راه تنگه هرموز، حضور و اقدام دولت ایران در جزیره های سه گانه را با توجه به مالکیت قدیمه ایران، موجه و منطبق با واقعیات توجیه می کرد.

جزیره بوموسی

نام جزیره بوموسی شاید مانند نامهای ایرانی مانند باباکوهی، بابا طر و امثال آن باشد که در خلیج فارس و سواحل آن هم بی سابقه نیست مانند باسعدو و بابا حسنی و غیره. شاید نام این جزیره نیز باباموسی بوده است. (بابا) اصطلاح دوران صفویه و بازمانه از دوران تیموری و سلجوقیان است که به اقطاب و مرشدان و زاهدان اطلاق می شده و معمولاً زاهدانی که گوشه ای را برای عبادت و انزوا اختیار می کرده اند (بابا) یا (بو) می نامیده اند. جزیره بوموسی در منطقه مجمع الجزایر قرار دارد که همگی آنها از دیرباز در قلمرو دولت ایران بوده اند. در اواخر قرن نوزدهم، پس از ورود نیروی دریائی و عمال سیاسی انگلیس به خلیج فارس، به بهانه طرد دزدان دریائی و منع برده فروشی و حفظ امنیت هندوستان، نیروی دریائی انگلیس مانع عملیات مأموران حکومت فارس در جزیره بوموسی گردید، با این وجود به شرحی که در صفحات پیش درباره جزیره های تمب بزرگ و تمب کوچک بیان شد، خود انگلستان هم در همین ایام در روی نقشه های ترسیمی دریائی و نقشه خطوط «خطوط محدودیت» و امثال آن به مالکیت ایران بر این جزیره صحت تفنید و تأیید

گذاشت. شیخ نشین شارجه از سالها پیش در جزیره بوموسی با حمایت دولت انگلیس اقدام به استخراج خاک سرخ نمود و آنرا برای مصارف صنعتی به انگلستان می‌فروخت و چون بملل مختلف سیاسی این اقدام مورد حمایت دولت انگلستان بود، به تدریج جزیره بوموسی را شیخ شارجه بنا بر تعالیم انگلستان اشغال و بر آن ادعای ارضی نمود و در این جزیره اسکله و تأسیسات بندری مختصری برای استحصال و انتقال خاک سرخ تأسیس نمود و چراغ دریائی و برق مختصری ایجاد کرد.

در آغاز زمستان سال ۱۳۵۰ خورشیدی این جزیره هم به تصرف نیروی دریائی شاهنشاهی در آمد منتهی در خصوص اعمال حق حاکمیت ایران در این جزیره قبلا با وساطت «سرویلیام لوس» دیپلمات و نماینده وزارت امور خارجه در خلیج فارس توافقهائی بین دولت شاهنشاهی ایران و شیخ نشین شارجه به عمل آمده بود.

سرویلیام لوس که خود مدتی مأمور سیاسی انگلیس در بحرین و خلیج فارس بوده است طی هیجده بار مسافرت خود به خلیج فارس و شیخ نشین‌های منطقه و تهران رؤس نظریات شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس را اخذ نمود و با اطلاع از نظرات دولت شاهنشاهی ایران بالاخره موفق شد قبل از خروج نیروهای انگلیس راه حلی را برای مسئله تمب بزرگ و کوچک و جزیره بوموسی به توافق شیوخ و دولت ایران برساند چه در غیر این صورت تشکیل فدراسیون امارات عربی متحده که مورد توجه و علاقه خاص دیپلماسی انگلیس و خود شیوخ بود غیر ممکن جلوه می‌نمود و بهر حال با مشکلاتی روبرو می‌شد.

ایران و شیخ نشین شارجه طی قراردادی به توافق رسیدند اگرچه جزئیات این قرارداد فاش نشد ولی در برابر استقرار نیروی نظامی ایران در ارتفاعات و نقاط سوق الجیشی جزیره بوموسی با حفظ قسمت آباد و مسکونی جزیره برای اقامت اتباع شارجه و تفویض منافع حاصله از استحصالات خاک سرخ جزیره به شیخ شارجه مسئله مهم اکتشافات نفتی هم که قبلا شیخ شارجه با یک کمپانی نفتی قراردادی در این زمینه منعقد نموده است مورد بررسی قرار گرفت و دولت ایران آن قرارداد را با تمام شرایطش به قوت خود باقی گذاشت و در عوض تا زمانی که درآمد شیخ نشین شارجه به میزان معینی از درآمد نفت نرسد دولت ایران همه ساله مبلغی به شیخ شارجه خواهد پرداخت و در صورت کشف نفت و استحصال آن و رسیدن درآمد نفتی حاصل از اکتشافات نفتی در جزیره و آبهای آن به میزان معینی، از آن پس در درآمد نفتی شریک و سهم و بصورت بالمناصفه با شیخ نشین شارجه شریک خواهد بود.

«ادامه دارد»